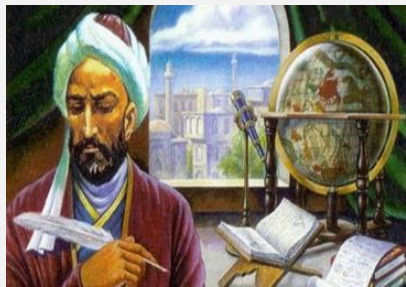


مروری بر زندگی "خواجه نصیرالدین طوسی" به مناسبت روز "مهندسی"



امروز پنجم اسفند ماه، همزمان با سالروز تولد دانشمند ایرانی خواجه نصیرالدین طوسی، روز "مهندسی" نامیده شده است. خواجه نصیرالدین طوسی همه‌چیزدان، فیلسوف، متکلم، ریاضی‌دان، منجم، فیلسوف و پزشک ایرانی و از سرشناس‌ترین چهره‌های تاریخ اسلامی است که در سده هفتم قمری می‌زیست.

امروز پنجم اسفند ماه، همزمان با سالروز تولد دانشمند ایرانی خواجه نصیرالدین طوسی، روز "مهندسی" نامیده شده است. خواجه نصیرالدین طوسی همه‌چیزدان، فیلسوف، متکلم، ریاضی‌دان، منجم، فیلسوف و پزشک ایرانی و از سرشناس‌ترین چهره‌های تاریخ اسلامی است که در سده هفتم قمری می‌زیست.

به گزارش ایسنا، محمد بن حسن جهرودی طوسی مشهور به خواجه نصیرالدین طوسی در تاریخ ۱۵ جمادی الاول سال ۵۹۸ هجری قمری در طوس خراسان ولادت یافته است. او به تحصیل دانش علاقه زیادی داشت و از دوران جوانی در علوم ریاضی و نجوم و حکمت سرآمد شد، به طوری که وسعت معلومات و نفوذ او با ابن سینا قابل قیاس است؛ جز آنکه ابن سینا پزشک بهتری بود و طوسی ریاضیدان برتری.

خواجه نصیرالدین طوسی که به «نصیرالدین»، «محقق طوسی»، «استاد البشر» و «خواجه» نیز شهرت دارد، علوم دینی و علوم عملی را زیر نظر پدرش و منطق و حکمت را نزد خالویش بابا افضل ایوبی کاشانی آموخت. تحصیلاتش را در نیشابور به اتمام رسانید و در آنجا به عنوان دانشمندی برجسته شهرت یافت.

ایامی که خواجه در آن می‌زیست، مصادف با حمله قوم خونخوار و بی رحم مغول به ایران و بی شک سخت‌ترین ایام تاریخ این سرزمین است. با این همه، شگفت آنکه در این سده نوابغ و بزرگان علم و حکمت و تاریخ و نقاشی و شعر ایران پا به عرصه هستی نهاده‌اند. مولوی بلخی و شیخ سعدی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و خواجه حافظ شیرازی و خواجه نصیرالدین طوسی؛ که این مورد آخر را بزرگ‌ترین نماینده حکمت و ریاضی و اخلاق در سده هفتم دانسته و به ایشان لقب «استاد بشر» را داده‌اند.

خواجه تازه کسب علم و دانش در نیشابور را آغاز کرده بود که مغولان همچون بلایی آسمانی سر رسیدند. شهر مدتی در محاصره مغولان ماند و اهالی نیشابور مقاومت کردند که در این زمان تعاجار نویان، داماد چنگیز در اثر تیر یکی از محصوران به قتل رسید. سرانجام در دهم صفر ۶۱۸ هجری مغولان نیشابور را فتح کردند و وارد شهر شدند. دختر چنگیز که زن تعاجار بود، از فرط خشم دستور داد هر کس که در آن شهر بازمانده را بکشند و حکم شد آن شهر را چنان ویران کنند که در آنجا بتوان زراعت کرد و حتی سگ و گربه شهر را هم زنده نگذارند. قوم مغول چنین کردند و هفت شبانه روز بر نیشابور ویران آب بستند و در سراسر آن جو کاشتند و کار به آنجا رسید که به تعبیر یکی از دانایان «دیواری از آن شهر برپای نماند».

در این زمان محتشم قهستان، ناصرالدین عبدالرحیم بن ابی منصور اسماعیلی خواجه را به قهستان دعوت کرد و خواجه نیز به آنجا نقل مکان می‌کند. به دستور همین ناصرالدین محتشم قهستان بود که خواجه نصیرالدین طوسی کتاب الطهاره ابن مسکویه رازی را از عربی به فارسی برگرداند و به نام ناصرالدین اسماعیلی، «اخلاق ناصری» نامید. این کتاب رایج‌ترین کتاب اخلاقی بین مسلمانان هند و ایران بوده است.

اما روزگار خوش دیری نپایید و بعد از آنکه خواجه نصیرالدین قصیده‌ای در مدح مستعصم، خلیفه عباسی سرود و با نامه به بغداد فرستاد، محتشم به وی بدگمان شد و او را به قلعه الموت قزوین نزد علاءالدین محمد بن حسن (۶۵۳-۶۱۸) فرستاد. پس از آن خواجه در قلعه (میمون دژ) از قلاع رودبار الموت اقامت داشت تا آنکه هولاکو خان مغول در سال ۶۵۴ قلاع اسماعیلی را فتح کرد و رکن‌الدین خورشاه، آخرین پادشاه اسماعیلی تسلیم هولاکو شد. این دانشمند بزرگ در قلاع اسماعیلیان همچون یک زندانی سیاسی نگهداری می‌شد و روزگار سختی را گذراند.

تأسیس رصدخانه مراغه

خواجه نصیرالدین طوسی در سال ۶۵۷ هجری قمری از سوی هولاکو خان مأمور شد تا رصدخانه مراغه را تأسیس کند و در این راه تمام اوقاف ممالک ایلخانی را تحت اختیار او قرار داد. گروهی از دانشمندان و منجمان از جمله رکن‌الدین استرآبادی، محی‌الدین مغربی، قطب‌الدین شیرازی، شمس‌الدین شیروانی، کمال‌الدین ایچی، نجم‌الدین اسطرلابی

و… در این کار با خواجه مشارکت داشتند و بنای رصدخانه در سالی تمام شد که خواجه در آن سال وفات یافت (۶۲۷ هجری قمری)؛ بنابراین بنای رصدخانه مراغه ۱۵ سال به طول انجامیده است.

رصدخانه مراغه فقط مخصوص رصد ستارگان نبود؛ بلکه یک سازمان علمی گسترده بود که بیش تر شاخه های دانش در آن درس داده می شد و مشهورترین دانشمندان آن عصر- از جمله قطب الدین شیرازی، کاشف علت اصلی تشکیل رنگین کمان- در آن جا جمع شده بودند. خواجه نصیرالدین همچنین کتابخانه بزرگی با ۴۰۰ هزار جلد کتاب در محل رصدخانه احداث کرد و هر یک از دانشمندان را، بدون توجه به ملیت و مذهب آن ها، مسئول بخشی از رصدخانه که در آن تبحر داشتند، قرار داد.

امروزه تنها پی های بخش های مختلف و بخشی از سدس (از ابزارهای ستاره شناسی برای اندازه گیری ارتفاع ستاره ها یا سیاره ها) سنگی رصدخانه باقی مانده است. یونسکو سال ۲۰۰۹ را سال "رصدخانه مراغه" نامگذاری کرد. این بنا در سال ۱۳۶۴ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید و در سال های اخیر نیز احیای این بنای تاریخی به منظور ثبت در میراث جهانی مورد توجه قرار گرفته است.

آثار

خواجه نصیرالدین طوسی در بیشتر دانش های متداول روزگار خویش به ویژه فقه و حکمت و کلام و منطق و ریاضیات و فلک و نجوم و اخلاق، تألیفات و رساله هایی از خود به یادگار گذاشته که بیشتر عربی هستند؛ با این حال ۲۵ درصد نوشته های او به زبان فارسی بوده اند. البته برخلاف ابن سینا تلاشی برای برگرداندن اصطلاحات عربی به فارسی نکرد و آن ها را به همان صورتی که هستند در زبان فارسی به کار برد.

از مهم ترین آثار خواجه نصیرالدین می توان به تجریدالاعتقاد (در علم کلام)، شرح اشارات ابوعلی سینا (در فلسفه)، التذکره فی علم الهیة، اساس الاقتباس (در علم منطق)، جواهرالفرایض (اصول علم فرایض و موازین)، اخلاق ناصری، اوصاف الاشراف، زیج ایلخانی، شکل القطاع و… اشاره کرد.

خواجه در کتاب شکل القطاع مثلثات را برای اولین بار به عنوان دانشی مستقل معرفی کرد و به طور کلی یکی از گسترش دهندگان علم مثلثات به شمار می آید و کتاب های مثلثات او در سده ۱۶ میلادی به زبان فرانسه ترجمه شد. او در ریاضیات همچنین تحریرهایی بر آثار اوتولوکوس، آریستارخوس، اقلیدس، آپولونیوس، ارشمیدس، هویسیکلس، تئودوسیوس منلائوس و بطلمیوس نوشت.

تأثیرات و یادگارها

یک دهانه آتشفشانی ۶۰ کیلومتری در نیم کره جنوبی ماه به نام "خواجه نصیرالدین طوسی" نام گذاری شده است. یک خرده سیاره که توسط ستاره شناس روسی نیکلای استفانویچ چرنیخ در ۱۹۷۹ کشف شد نیز به نام ایشان نامیده شده است.

دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی در تهران و رصدخانه شامخای در جمهوری آذربایجان نیز از جمله مراکزی هستند که به نام این دانشمند ایرانی نام گذاری شده اند.

در سال ۲۰۱۳ میلادی، پایگاه جستجوگر گوگل، به مناسبت هشتصد و دوازدهمین سالگرد تولد خواجه نصیرالدین طوسی، تصویری از وی در تارنمای خود گذاشت که در کشورهای عربی قابل دسترسی بود و در آن بر ایرانی تبار بودن این دانشمند تأکید شده بود.

درگذشت

خواجه نصیرالدین طوسی در ۶۷۲ هجری و ۱۲۷۴ میلادی در بغداد درگذشت و در حرم کاظمین در بغداد دفن شد. از نزدیکی زمان مرگ خواجه نصیرالدین طوسی این طور نقل شده که «وقتی دید بیماری دیگر علاج ندارد، درباره دفن و کفن خویش با یاران و نزدیکانش مذاکره کرد؛ گفتند: مناسب آن است که در جوار حضرت علی دفنش کنند. او گفت مرا شرم آید که در جوار این امام بمیرم و از آستان او به جای دیگر برده شوم. پس از مرگ بر وصیت او رفتند و در کاظمین دفنش کردند و در جلوی لوح مزارش این آیه را نقش کردند که: «و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید = و سگشان (به حالت

پاسبانی) دو دست خویش بر درگاه (غار) گشاده بود».